

رساله تفسیر فارسی مولانا یعقوب چرخ‌ی

نادر کریمیان سردشتی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

چکیده

یکی از آثار مشهور مولانا یعقوب چرخ‌ی (متوفی ۸۵۱ ه.ق) عارف، نویسنده و مفسر طریقت نقشبندیه در قرن هشتم و نهم هجری، ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی است. چرخ‌ی در این کتاب تسمیه، تعویذ، سوره فاتحه و جزء بیست و نهم و سی‌ام قرآن مجید را تفسیر کرده و در سال ۸۵۰ - ۸۵۱ ه.ق به پایان رسانید. چرخ‌ی از تفاسیر پیش از خود همچون کشف زمخشری، کواشی و تیسیر بهره گرفته و مطالب آنها را به فارسی برگردانده و خود نیز با شرح و توضیح علمی و عرفانی بر آن افزوده است. نسخه‌های فراوانی از این تفسیر در مراکز نسخ خطی جهان بر جای مانده و بارها در هند و پاکستان چاپ و منتشر شده است. در این مقاله، به معرفی تفسیر و ویژگی‌های ادبی و عرفانی و نسخه‌های خطی این تفسیر پرداخته می‌شود.

کلیدواژگان: مولانا یعقوب چرخ‌ی، ترجمه و تفسیر قرآن، تفسیر عرفانی، نقشبندیه، متون زبان فارسی.

یعقوب، فرزند عثمان فرزند محمود فرزند محمد فرزند محمود غزنوی چرخى سررزی معروف به «مولانا یعقوب چرخى» از عرفا و پیشوایان طریقت نقشبندیه است. تاریخ تولد وی معلوم نیست، ولی بنا به تصریح خودش در تفسیر قرآن به سال ۷۸۲ ه.ق در بخارا خوابی دیده که نشان می‌دهد عمرش برای طلب علم و سفر به بخارا حداقل بیست سال بوده است و در نتیجه می‌توان تخمین زد که او در حدود سال‌های ۷۶۰-۷۷۰ ق متولد شده باشد (چرخى، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۷۷). چرخى، نسبت از روستای چرخ می‌برد که مسقط‌الرأس وی بوده و این روستا، امروزه در ولایت لوگر افغانستان واقع شده است (جامی، ۱۳۳۶ش: ۳۹۸؛ کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج: ۱: ۱۱۶) نسبت او را سررزی نیز گفته‌اند که از روستای نزدیک چرخ است و مسکن آبا و اجداد چرخى آنجا بوده و خود نیز در رساله نائیه بدان اشاره دارد (چرخى، نائیه، ۱۳۵۲ش: ۱۳۹). پدر وی، مولانا عثمان چرخى از علما و عرفا، مردی پارسا و اهل سلوک بود که در زهدش، روایاتی نیز منقول است. (همان: ۹۷). چرخى در بخش‌هایی از آثار خود از پدرش یاد کرده و از وی یک رباعی و دعایی نیز نقل می‌کند (چرخى، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۱۱۵، ۲۱۲، ۲۴۰ و ۳۳۲). مزار مولانا عثمان چرخى در مسجدی با همین نام در شهر استروشن (=اوراتپه) تاجیکستان واقع است (کریمیان سردشتی، ۱۳۸۱ش: ۱۴۶).

چرخى، علوم مقدماتی را در زادگاه خود (چرخ) از پدرش فرا گرفت و از آنجا برای تحصیلات به شهرهای هرات و بخارا رفت. وی نخست در جامع شهر هرات به تحصیل پرداخت (کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج: ۱: ۱۱۹-۱۲۰) و سپس در سال ۷۸۲ ق از هرات به بخارا رفت (چرخى، تفسیر، ۱۳۳۱ق: ۱۴۸). در آن شهر، نزد اکابر و علمای آنجا اجازه فتوی دادن گرفت (کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج: ۱: ۱۱۶). چرخى در بخارا مرید رسمی خواجه بهاء‌الدین نقشبند (متوفی ۷۹۱ق)، پیشوای طریقت نویناد نقشبندیه شد (چرخى، انسیه، ۱۳۶۲ش: ۱۲؛ کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج: ۱: ۱۱۸-۱۱۶) و مدتی در خدمت او و مشغول سیر و سلوک بود تا این‌که اجازه ارشاد و تعلیم اصول طریقت خواجهگان را دریافت کرد (کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج: ۱: ۱۱۹؛ چرخى، انسیه، ۱۳۶۲ش: ۳۸-۱۲).

چرخى آثار و تألیفات فراوانی از خود به جای نهاد که همه آن‌ها به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. بنابراین می‌توان وی را یکی از مروجان زبان و ادبیات فارسی در دوره تیموریان (قرن هشتم و نهم هجری) به شمار آورد. آثار او علاوه بر تفسیر قرآن عبارتند از: (۱) رساله نائیه (نی‌نامه) (۲) رساله ابدالیه (۳) رساله انسیه (۴) شرح اسماء‌الحسنی (۵) رساله حورائیه (۶) طریقه ختم احزاب (۷) مخارج‌الحروف (۸) اسامی المشایخ‌الکرام (۹) رساله در علم فرایض (ارث) و حساب (۱۰) رساله درباره اسباب و علامات قیامت (۱۱) رساله عرفان و تصوف (۱۲) مجموعه السیر در سلوک. هر چند در انتساب برخی از این آثار به چرخى، چند و چون است؛ اما این رسائل نشان‌گر این است که چرخى در زمان خود

«کثیرالتألیف» بوده است.

از مولانا چرخى برخى کلمات و سخنان و وصایای عرفانى (عارفانه‌ها) در کتب و متون تاريخى-عرفانى و تذکره‌ها منقول است که بیان‌گر دیدگاه‌ها و آرای عرفانى و نفوذ شخصیت معنوی اوست (میر عبدالاول نیشابورى، ۱۳۸۰ش: ۱۹۱-۱۹۲، ۲۶۴، ۵۶۶-۵۶۷ و ۶۶۹؛ جامی، ۱۳۳۶ش: ۳۹۸-۳۹۹؛ کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج ۱: ۱۱۶-۱۲۱). وی شاگردان فراوانی در طریقت نقشبندی تربیت نمود که از جمله آنها می‌توان به خلیفه و جانشین وی، خواجه عبیدالله احرار یاد کرد. مولانا چرخى در روز شنبه ۵ صفر سال ۸۵۱ ق (مصادف با ۲۲ آوریل ۱۴۴۷ میلادی) وفات یافت (غلام سرور لاهورى، ۱۳۱۲ق، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۷؛ چرخى، پیشگفتار نائیه، ۱۳۵۲ش: ۹۹). کاشفی گزارش کرده که مزار وی در هلقو از روستاهای حصار واقع است و همین روایت را نوربخش توکلی در «تذکره مشایخ نقشبندیه» آورده است (کاشفی، ۱۳۵۶ش، ج ۱: ۱۱۶؛ توکلی: ۱۴۲). اکنون آرامگاه وی در ۵ کیلومتری شهر دوشنبه (پایتخت تاجیکستان) که به «حضرت مولانا» در میان مردم اشتهار دارد، یکی از مقدس‌ترین و برترین زیارتگاه‌های آن کشور محسوب می‌شود.

اهمیت موضوع و تحقیق

بر کسی پوشیده نیست که تفاسیر قرآن به ویژه با دیدگاه‌های عرفانى از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این تفاسیر با توجه به سابقه تدوین از قرن سوم هجرى (قرن ۹ میلادی) به بعد تأثیرات فراوانی در شکل‌گیری تفاسیر عرفانى داشته است. یکی از مهمترین و ارزشمندترین آثاری که در قرن نهم هجرى قمرى (قرن ۱۵-۱۶ میلادی) در زمینه تفسیر قرآن تألیف و تدوین شده، تفسیر مولانا یعقوب چرخى است که از موارث گران‌بهای ادبیات دینی و عرفانى محسوب می‌شود. شناخت این تفسیر ارزشمند در تاریخ مباحث بسیار ارزشمند و قابل توجه می‌باشد.

اهداف

در سیر تحولات تاریخ تفاسیر قرآن کریم، شناسایی و شناساندن منابع اصلی این تحولات یکی از عمده‌ترین اهداف این نوع پژوهش‌ها می‌باشد. با بررسی و شناسایی این میراث گران‌بها می‌توان به شیوه‌های مرسوم در چگونگی تدوین و تألیف تفسیر دست پیدا کرد. هدف دیگر، تبیین این نوع منابع علمی در برهه‌ای از تاریخ علوم قرآنی (قرن نهم هجرى) بوده که غالباً مشاهیر نقشبندیه در این خصوص نقش چشمگیری در تدوین و تألیف کتب حوزه تفسیر و علوم قرآنی داشته‌اند.

سؤال مقاله

سؤال اصلی این است که ایرانیان در گسترش، تدوین و تألیف تفاسیر قرآن به زبان فارسی به ویژه بر اساس مبانی

فکری عرفا، چقدر سهیم بوده و در پیشبرد علوم قرآنی و عرفان اسلامی تا چه اندازه نقش داشته‌اند و آثار علمی آنان در یک برهه از زمان به چه مرتبه‌ای بوده و پس از خواجه عبدالله انصاری (به عنوان پیشکسوت و متقدم زبانی تدوین تفسیر قرآن)، دانشمندان عارف‌مسلك تا چه حدودی با زبان و ادبیات فارسی به این دانش اهتمام داشته‌اند. این پرسش‌ها اساس پژوهش را تشکیل داده و این جستار به دنبال پاسخی مناسب و علمی و شناساندن یکی از این موارد ارزشمند است.

روش تحقیق

روش تحقیق به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است. در حوزه گردآوری مواد و منابع از کتابخانه‌های ایران و کشورهای تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان، هند و پاکستان استفاده شده است و نگارنده برای جمع‌آوری نسخه‌های خطی تفسیر چرخ‌ی به کشورهای هم‌چون افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، هندوستان، عربستان و عراق سفر علمی داشته و برخی از نسخه‌ها را نیز بر اساس مکاتبات علمی (مثلاً از کتابخانه عمومی برلین در آلمان) به دست آورده است.

پیشینه تحقیق

درباره تفسیر چرخ‌ی با توجه به ارزش و اهمیت آن در حوزه‌های علمیه، صدها نسخه خطی استنساخ و ده‌ها بار چاپ شده است که می‌توان به چاپ لاهور به اهتمام ولی محمد قندهاری و چاپ قندهار افغانستان، انتشارات حاج عبدالغفار و پسران به سال ۱۳۳۱ق اشارت کرد. سپس چاپ‌های جدیدی از آن در ایران، تاجیکستان، پاکستان و هندوستان انجام گرفت که نظر به کثرت آنها نیاز به گزارش جزئیات آنها نیست. درباره معرفی تفسیر چرخ‌ی، این مقاله در نوع خود نخستین شناخت‌نامه این اثر علمی است که تاکنون انجام گرفته است.

شرح و گزارش موضوع

در این مقاله، پیش از معرفی و شناخت‌نامه تفسیر چرخ‌ی که شامل مباحثی نظیر سبب تألیف، ویژگی‌ها، منابع و مآخذ، سبک‌شناسی، ویژگی‌های دستوری و زبان‌شناسی، ویژگی‌های املائی و روش تفسیری است، چشم‌اندازی مختصر به دیدگاه‌های عرفانی چرخ‌ی در تفسیر خواهیم داشت؛ زیرا این اثر تفسیری، براساس مبانی فکری عرفانی و طریقت خواجگان تدوین و تألیف شده است.

باید گفت که تفسیر چرخ‌ی به زبان فارسی و تاکنون چندین بار در هندوستان، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان چاپ و منتشر شده است. به گفته استاد خلیلی، تفسیر بسیار عالمانه و صوفیانه نگارش یافته و عبارت آن، سهل و ساده و

بسیار روان می‌باشد. معلوم است مصنف بزرگوار تفسیر ابن عباس، حقایق و بصایر، مصابیح، کواشی، کشاف، شرح کشاف، تیسیر و تفسیر کبیر را در نگارش تفسیر خود بیشتر در نظر داشته و از آن‌ها نام برده است. همچنین کتاب تبصرة الاولیای امام معین‌الدین نسفی و نوادر محقق ترمذی از مآخذ وی بوده است. بیشتر ابیات سنایی و مولانا [جلال-الدین بلخی] را در کتاب خود آورده و نثر روان و ساده خود را به آن زینت داده است، همچنین نثرهای خواجه عبدالله انصاری را در ضمن و کنار سایر مشایخ آورده و از پیر هرات در کمال احترام و محبت یاد کرده و در بعضی مطالب خود نیز اظهار نظر نموده و سخنان دل‌انگیز و پخته و عارفانه گفته است (خلیلی، پیشگفتار، نایه، ۱۳۵۲ش: ۱۱۲).

تفسیر یعقوب چرخى، تفسیر سوره‌ی حمد و سوره‌ی مُلک تا پایان جزء سی‌ام به نثر و نظم فارسی آمیخته با نظم عربی است که چرخى آن را، به درخواست گروهی از دوستان و یاران خود، از تفسیر کشاف و تفسیر کواشی نقل کرده و مطالبی از خود و سایر متون تفسیری، روایی و آثار منظوم و منثور عرفانی بر آن افزوده است. سوای دو تفسیر یاد شده، مهم‌ترین منابع اوست: تفسیر بصائر؛ تفسیر عتابی؛ تفسیر مولانا حسین؛ حقائق التفسیر؛ صحیح مسلم؛ مسند ابی داود؛ مصابیح الابرار؛ و معالم التنزیل (چرخى، تفسیر، همان: ۱۴-۸۰).

خواجه یعقوب، در ذیل تفسیر سوره‌ی مزمل اشاره کرده است که در سال ۷۸۲ در پی آن بوده که به کدام علم مشغول شود؛ پس، در خواب، رسول اکرم(ص) را در حال قرائت آهسته قرآن و خواندن تفسیر بیضاوی مشاهده می‌کند، بر اثر آن، به تفسیر قرآن مبادرت می‌ورزد. وی درباره‌ی آثار اشتغال به تفسیر قرآن کریم می‌گوید: «به سبب این امتثال و اشتغال به تفسیر، فواید بسیار حاصل آمد و معانی قرآن به برکت مصطفویه علیه افضل الصلوة و اجمل التحیات ضبط شد». (همان: ۱۲۶).

او، در این تفسیر، پس از ذکر آیه، ترجمه‌ی فارسی آن را می‌آورد و در مواردی، به مباحث لغوی و صرفی و نحوی می‌پردازد؛ سپس به تفسیر آیه به شیوه‌ی روایی و گاه کلامی و اخلاقی و بیش از همه، عرفانی روی می‌آورد و در شرح مطالب تفسیری، به حکایات و روایات تاریخی و حکمی درباره‌ی پیامبران(ع) از جمله نوح، صالح، یونس، لوط می‌پردازد و همچنین به قصه‌ی عادیان و فرعون و سخنان مشایخ بزرگ و عارفان و سروده‌های عرفانی به ویژه اشعار سنایی و مولوی استشهد می‌کند (همان: ۶۷-۱۸۴).

از ویژگی‌های این تفسیر، دربرداشتن نصاب اخلاقی و عرفانی است که متناسب با هر جمعی، ذیل عباراتی چون نصیب من و تو، نصیب تو، نصیب واعظ، نصیب متشرع، نصیب مؤمن، نصیب درویش، نصیب عارف آمده است که ذیلاً نمونه‌هایی از آن‌ها نقل می‌شود:

«نصیب واعظ این است که بر راه بخواند و بر منکر خود رحم کند.» (همان: ۴۵) «نصیب متشرع این است که به فُجَّار و اصحاب بدعت و ضلالت چرب نرمی نکند.» (همان: ۵۵) «نصیب مؤمن این است که با ادب باشد و از مخالفت حضرت او بر حذر باشد تا به عقوبت او گرفتار نگردد.» (همان: ۱۲۳)

اما نصایح او به درویشان با دو لحن متفاوت است و همچنین به نظر می‌رسد که مرادش از درویش، گاه سالکان طریقت و گاه عارفان صاحب مقام باشد؛ نمونه‌هایی از آن چنین است: «نصیب درویش... این است که به نفاق در مجلسِ اهل حق نشینند [چنین است در متن] و بر اولیاءالله عیب نجویند [چنین است در متن] و بر احوال و افعال و اقوال ایشان اعتراض نکنند. [چنین است در متن] که هلاک شود.» (همان: ۹۶) «نصیب درویش این است که سخن اهل شریعت و طریقت را بشنود و از سخن اهل دنیا دور باشد تا هلاک نشود.» (همان: ۱۰۷)

با لحنی دیگر، خطاب او به درویش شبیه خطابش به عارف است که نمونه‌های آن چنین است:

«نصیب درویش این است که همچون ماهی، خاموش و همچون قلم، مکسورالقلب باشد تا مُظْهِرِ رسوم مستوره و عیوب مستوره گردد» (همان: ۵۳) «نصیب عارف این است که استقامت ظاهره و باطنه به جای آرد تا مشرف به زیادتی معارف الهی شود» (همان: ۱۱۷) «نصیب عارف این است که همه‌ی عالم را مظاهر شناسد که به یک دمیدن بمیرند و به یک دمیدن زنده شوند. این از اسرافیل نیست از رَبِّ جلیل است» (همان: ۸۲)

خواجه یعقوب، در این تفسیر، دیدگاه‌های کلامی و آموزه‌های عرفانی خود را نیز مطرح ساخته است؛ از جمله در مبحث رؤیت، ضمن نقل نظر اهل سنت و جماعت و اعتقاد آنان به رؤیت خداوند در قیامت، آراء معتزله را نقد و رد کرده و گفته است: اهل و شهر خوارزم و دهستان معتزلی و منکر رؤیت حق تعالی هستند، «دیدار او نبینند چرا که منکرانند» (همان: ۲۰۷). به اعتقاد او، چنان‌که در طوابع و غیر آن آمده است، دیدار حق تعالی، هم در دنیا و هم در آخرت، بر حق است. معتزلیان عموماً و مطلقاً منکر رؤیت‌اند و بعضی از آنان، رؤیت در آخرت را می‌پذیرند. در حالی که، به قول خواجه یعقوب، در مذهب اهل حق، که مذهب اهل سنت و جماعت و مذهب اولیاءالله است، رؤیت خداوند هم در دنیا و هم در عقبی پذیرفته است (همان: ۴۵).

در مبحث صفات الهی نیز چرخشی، ضمن آن‌که تنها برخی از این صفات را ذاتی شمرده، به صراحت تشبیه و تعطیل را نفی و رد کرده و گفته است: «هرچه در فهم و عقل تو گنجد که خدای تعالی آن است او از آن منزّه و مبراست و عقل و فکر را در کُنّه ذات او راه نیست.» (همان: ۲۹۹، ۳۰۴، ۲۸ و ۳۰).

در تفسیر، از سیر و سلوک و اخلاق و آداب عرفانی نیز سخن رانده است؛ از جمله، ذیل تفسیر سوره‌ی مزمل، چرخشی

نه آیهی اول این سوره را حاوی اشاره به مقامات سلوک - خلوت در شب، اشتغال به قرائت قرآن، ذکر رحمان، نفی ما سِوَى اللَّهِ، و توکل به خالق آسمان و زمین - دانسته و تأکید کرده است که نفی ماسِوَى اللَّهِ به کثرت ذکر و عنایت ازلی و خدمت شیخ کامل مکمل دست می‌دهد و «به یک نظر مبارک شیخ، که محبوب حق و مجذوب مطلق باشد، چندان تصفیه و تخلیه ظاهر و باطن حاصل آید که به انواع عبادات ظاهر حاصل نیاید». (همان: ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰)

چرخى در تفسیر دو آیهی «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی، ۱۴ و ۱۵) نیز اشاره به منازل سلوک کرده و گفته است: «منازل سلوک، اول توبه است و تزکیه نفس به ازاله صفات ذمیمه و اکتساب صفات حمیده؛ و دوم بر ذکر لسانی و قلبی و روحی و سرّی و سیوم به مشاهدات. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى اشارت به اول است؛ و وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ اشارت به دوم است؛ فَصَلَّى به سیوم، چون صلوة معراج مؤمن است و قُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ اشارت به این است.» (چرخى، تفسیر، همان: ۲۹۹)

به هر حال، هر که به طلب علم باطن مشغول باشد از اهل حق است و باید دائماً به ذکر حق مشغول شود و ملول نگردد و روی نگرداند تا به عذاب فُرْقَت و نایافت دولت ابدی مبتلا نگردد. به اعتقاد خواجه یعقوب، اوقات، اوقات ذکر است و صفا، صفای ذکر. اما تلقین ذکر باید از کامل مکمل یعنی قطب الارشاد یا خلیفه‌ی وی باشد تا نتیجه بخشد. از سوی دیگر، مرید باید از کسی که خود را به صالحان و زاهدان مانند کرده و شیخ شده، اما از حرام پرهیز نمی‌کند دوری گزیند؛ زیرا چنین شخصی از حقیقت نصیبی ندارد و مریدان را از حرام خوردن و گرفتن منع نمی‌کند و در حقیقت، دشمن دین و «شیطان الإنس» است که مرید باید از او به حق تعالی پناه برد و به افعال امثال او خاطر خود را پریشان نکند، بلکه از خداوند محبت صالحان و دوستان خدا را بطلید (همان: ۱۱۸ و ۱۱۹). به گفته چرخى، سالک باید دوستان را، که مؤمنان‌اند، دوست بدارد و دوستان خاص او را، که اولیاءالله‌اند، نرنجاند تا هلاک نشود. افزون بر آن، سالک و درویش نباید منکر حال عارفان اولیای خدا باشد و اگر کسی منکر احوال آنان باشد، معذورش دارد. همچنین در مجلس اهل حق به نفاق نشیند و بر اولیای الهی عیب نگیرد و بر احوال و افعال و اقوالشان اعتراض نکند و در ادب حضور بکوشد. زان سو، منکران را باید تحمل کند و بار ملامت آنان بکشد تا عاقبت عاقبت یابد؛ و بر دشمنان خود دعای بد نکند و محبت و عداوت خلق را از حق تعالی ببندد. درویش صادق باید از یار بد و از همنشین بد که منکر حال درویشان است، دوری گزیند و با کسی که بیگانه باشد، یعنی برادر طریقتی او نباشد مصاحبت نکند. ضمن یکی بودن ظاهر و باطنش، در دنیا به حساب خود رسیدگی و از بدی‌ها توبه کند و هر روز، از نماز دیگر (=نماز عصر) تا نماز شام، محاسبه و استغفار مشغول باشد و دائماً به طاعت، مراقبه، مجاهده، محاسبه و مشاهده اشتغال نماید و از هزل و تکذیب انبیا و اولیا حذر کند و از غافلان هازلان دور باشد و «قدم در محبت ذاتیه زند حَتَّى یَسْتَوَى عِنْدَهُ الْقَهْرُ و

خواجه یعقوب، با آن‌که کرامات اولیا را حق دانسته، عارفان را از اظهار کرامات بر حذر داشته و گفته است که عارف باید شنوایی، بینایی، دانایی، زندگی، مرگ و همه را از خداوند بداند و خلاق را مظاهر خداوند بشمارد و از اظهار کرامات بپرهیزد «که هر چند کرامات از وی ظهور کند ترس بروی بیشتر باشد.» (همان: ۶۴، ۸۲، ۸۸، ۱۲۱)

۱. سبب تألیف تفسیر

در انتساب این تفسیر به خواجه یعقوب شکی نیست؛ چنان‌که در مقدمه همین تفسیر، وی نام کامل خودش را آورده و انگیزه نگارش آن را ذکر کرده و گفته است که «گروهی از دوستان از من خواسته‌اند تا تفسیر سوره فاتحه و سوره ملک تا آخر قرآن را بنویسم و من اجابت نموده و تفسیری که برگرفته از تیسیر و کشاف و کواشی و غیر اینها باشد، نوشتم.» (همان: ۲۳) حاجی خلیفه، تفسیری با این خصوصیت را با عنوان تفسیر سوره المُلک اثر علامه شمس الدین احمد بن سلیمان (۶۴۰ق) می‌آورد و می‌گوید: «این تفسیر، منتخبی از تفسیر کشاف و کواشی و مشتمل بر سوره فاتحه نیز می‌باشد» (حاجی خلیفه، ج ۱: ۴۵۱) اما این وجه تشابه، خللی در استناد تفسیر به خواجه یعقوب نمی‌رساند؛ چرا که به احتمال زیاد هر کدام تفسیری جداگانه بوده و ارتباطی با یکدیگر ندارند. درباره این‌که تفسیر چرخ، اثر جداگانه از تفسیر سوره فاتحه می‌باشد، اسماعیل پاشا به طور مستقل از «تفسیرالقرآن» چرخ نام می‌برد (اسماعیل پاشا بغدادی، ج ۲: ۵۴۶).

۲. ویژگی‌های تفسیر چرخ

تفسیر خواجه یعقوب دارای اسم خاصی نیست و ناسخان و فهرست‌نویسان از آن با عنوان «تفسیر چرخ» یا «تفسیر مولانا یعقوب چرخ» یاد کرده‌اند. حاجی خلیفه نیز از آن با عنوان «تفسیر سوره الفاتحه» یاد کرده است (حاجی خلیفه، ج ۱: ۴۵۱). این تفسیر در میان مسلمانان هندوستان، پاکستان، خراسان ایران، افغانستان و کشورهای آسیای میانه از شهرت فراوانی برخوردار شده است و این امر به دلیل ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. بیان ساده، روان و قابل فهم برای عموم مردم که مفسر توانسته با نثر ساده و خطاب‌های عارفانه ارتباط مناسبی را با مخاطب ایجاد کند.

۲. جامع بودن: مفسر برای رسیدن به اهدافش در بیان آیه، از هر وسیله مقبولی استفاده کرده است؛ مانند: آیات، روایات، اقوال صحابه و تابعین، اشعار فارسی و عربی، نکات بلاغی و...

۳. اختصار در عین جامع بودن.

۴. رعایت اعتدال در مسائل کلامی و اعتقادی؛ به طوری که به این مسائل فقط اشاره کرده و به بحث‌های جدل‌آمیز و مفصل نپرداخته است.

۵. تنوع مطالب که ناشی از جامع بودن آن است.

۶. فارسی بودن: در شیرینی سخن، نثر، ادب و اشعار فارسی زیبایی آن شکی نیست.

این ویژگی‌ها همراه با جایگاه والای مفسر در طریقه نقشبندی سبب شده است که این تفسیر با استقبال مناسبی از سوی مسلمانان، خصوصاً فارسی‌زبانان مواجه شود.

نوع برداشت مفسر از آیات و جملات و خطابات عارفانه وی، جای هیچ شکی باقی نمی‌گذارد که این تفسیر را باید در زمره تفاسیر «عرفانی، اخلاقی» جای دهیم. اگر چه جایگاه نقل را در این تفسیر نمی‌توان نادیده گرفت، ولی روح کلی در این تفسیر که با خصوصیت خود مفسر نیز هم‌گونی دارد، عرفانی و اخلاقی بودن تفسیر است. مهم‌ترین ضعفی که در این تفسیر و بیشتر تفاسیر متقدمان یافت می‌شود، نقل بدون نقد است! این مفسران با اعتماد کردن بر راویان، که برخی جاعل هم بوده‌اند، هر گونه نقلی که درباره آیه وارد شده باشد بدون این‌که نقد سندی و یا حداقل نقد محتوایی داشته باشند، ذکر کرده‌اند و این سبب گشته است که در متون تفسیری ما اسرائیلیات و شأن نزول‌های ساختگی وارد شود.

۳. منابع و مأخذ تفسیر چرخ

مولانا چرخ در تفسیر خود از منابع و مأخذ متعدد استفاده کرده و در تفسیر نام برده است. برای نمونه در جزء ۲۹ تفسیر از حدود ۱۷ منبع به تصریح یاد کرده است (عالم جان سعیداف، بیست و چهار) اما منابعی که بدان‌ها تصریح نکرده و تنها به ذکر «بعضی می‌گویند، در بعضی تفاسیر آورده است...» و «...» اکتفا نشده بی‌شمار است. منابع دیگری که چرخ به آن‌ها تصریح فرموده در همین مبحث به معرفی اجمالی آن‌ها پرداخته شده است.

همان‌طور که مفسر خود در ابتدای تفسیر اشاره کرده است، این تفسیر برگرفته از سه تفسیر عمده کشاف، کواشی، تیسیر می‌باشد که اینک به تفصیل از آنها سخن می‌گوییم و سپس به اجمال به سایر منابع چرخ می‌پردازیم.

الف) الکشاف عن حقائق التنزیل

این تفسیر اثر «ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد بن عمر خوارزمی» ملقب به «جارالله» و معروف به «زمخشری» می‌باشد. وی در زمخشر از روستاهای خوارزم، سال ۴۶۷ هجری به دنیا آمد. ادبیات را در محضر «منصور ابی مضر» فرا گرفت و پس از مدتی در علوم می‌مانند تفسیر، حدیث، نحو، لغت و ادبیات صاحب‌نظر شد و به پیروی از استادش

ابونصر اصفهانی گرایش به معتزله پیدا کرد. تألیفاتی از زمخشری به جا مانده است که مهمترین آنها این موارد است: المحاجات در نحو، الفایق در غریب الحدیث، اساس البلاغه در لغت، رؤوس المطالب در فقه و کشف در تفسیر. وی سرانجام پس از بازگشت از مکه در جرجانیه خوارزم به سال ۵۳۸ هجری درگذشت.

زمخشری، تفسیر کشف را در مدت دو سال، بین سال‌های ۵۱۳ تا ۵۱۵ هجری، هنگامی که در مجاورت بیت‌الحرام به سر می‌برد، نوشت. ویژگی این تفسیر، بیان وجوه اعجاز و زیبایی نظم و بلاغت قرآنی است که این ویژگی، نتیجه جامعیت مفسر در علوم مختلفی همچون زبان، ادبیات عرب و شعر است. کشف یکی از منابع مهمی است که می‌توان از طریق آن، باورهای معتزله را به شیوه‌های علمی و تحقیقی فهمید. این تفسیر، خوش‌خوان و فارغ از پیچیدگی‌های لفظی است. اهمیت این تفسیر به حدی است که غالب مفسرین بعد از زمخشری از آن استفاده کرده و مورد توجه آنها بوده است. به طوری که حتی برخی عبارات زمخشری را به عینه آورده‌اند (خرمشاهی؛ مقدمه کشف).

خواجه یعقوب با وجود مخالفت با زمخشری در عقیده اعتزالی، به صورت گسترده از کشف استفاده کرده است که گاهی مستقیم و گاهی به صورت غیرمستقیم می‌باشد. در جزء بیست و نهم، بیش از هفتاد مورد مستقیم و غیرمستقیم به آن ارجاع داده است. بیشتر مباحث بلاغی و ادبی، اختلاف فرائدات و احادیث را که در تفسیر خواجه یعقوب آمده است را در کشف می‌توان دید.

ب) کواشی

«التلخیص فی التفسیر» اثر ابوالعباس احمد بن یوسف بن حسن بن رافع الشیبانی معروف به کواشی می‌باشد. وی فردی مفسر، زاهد، صالح بود که در کواشه از روستاهای موصل به سال ۵۹۱ هجری متولد شد. قرآن را نزد پدرش فراگرفت و حدیث را از ابی الحسن السخاوی و دیگران اخذ نمود. به حج رفت و پس از بازگشت به عبادت و تألیف مشغول شد و تفسیر صغیر را نوشت. عبادت وی به حدی بود که برخی گفته‌اند اسم اعظم می‌دانست و هر زمانی که پادشاه و اطرافیان‌ش به زیارت او می‌رفتند، اعتنایی به آنها نمی‌کرد. در جامع موصل، چهل و اندی سال به تحصیل و تعلیم مشغول بود و سرانجام در جمادی‌الآخر سال ۶۸۰ هجری در موصل وفات یافت (ابن‌السبکی، ج ۴: ۲۵).

التلخیص فی التفسیر که با عنوان «تبصره و تفسیر کواشی» نیز از آن یاد شده است، خطی می‌باشد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ناصریه نوشته شده و در تاریخ ۶۷۷ هجری، از هنگام حیات مؤلف موجود است (میلانی، ج ۸: ۹۴) و نسخه‌های دیگری در «مکتبۃ جامع البأث» موصل تحت شماره ۲۳۰ و در «مکتبۃ الاوقاف بغداد» به شماره ۱۰۲۳-۶۹۶۹ موجود می‌باشد (بکائی، ج ۴: ۳۲۱).

ج) التیسیر

«التیسیر فی التفسیر» اثر عمر بن محمد بن احمد بن اسماعیل، ابوحفص نجم‌الدین النسفی می‌باشد. وی به سال ۴۶۱ هجری در نسف به دنیا آمد و در سال ۵۳۷ هجری در سمرقند درگذشت. او ملقب به «مفتی‌الثقلین» و عالم به علوم مختلف مانند تفسیر، ادب، تاریخ و فقه بود. وی که از فقهای حنفی می‌باشد، آثار زیادی-بیش از صد اثر- دارد که برخی از آنها عبارتند از: الاكمل الاطول و تیسیر در تفسیر، المواقیت، الاشعار بالمختار من الاشعار، نظم الجامع الصغیر، منظومة فی الفقه، منظومة الخلافیات، القند فی علماء سمرقند، تاریخ بخاری، العقائد و... (زرکشی: ۶۵۰؛ اسماعیل پاشا بغدادی، ج ۱: ۸۳؛ حاجی خلیفه، ج ۱: ۵۰۹)

باید توجه داشت که وی غیر از نسفی، مفسر معروف، صاحب تفسیر «مدارک التنزیل و حقائق التأویل» است. این تفسیر، خطی است و ابتدای آن با عبارت «الحمد لله الذی انزل القرآن شفاء...» شروع می‌شود و وی در خطبه آغازین، صد اسم از نام‌های قرآن کریم ذکر می‌کند و سپس به تعریف تفسیر و تأویل می‌پردازد و بعد از آن، تفسیر آیات را شروع می‌کند و به طور گسترده، اقوال مختلف و توضیحات و تفصیلات زیادی در تفسیر آیات می‌آورد که می‌توان آن را یکی از تفسیر مبسوط شمرد.

سایر منابع تفسیر چرخي

خواجه یعقوب از تیسیر و کواشی به عنوان منبع در قصه‌های انبیاء استفاده می‌کرده است. وی علاوه بر سه منبع فوق از منابع دیگری هم گاهی با ذکر نام و گاهی بدون ذکر نام استفاده می‌کرده است؛ مانند: مفاتیح‌الغیب فخر رازی، تنبیه‌الغافلین ابولیت سمرقندی، نوادر الاصول حکیم ترمذی، رساله خواجه محمد پارسای بخاری، تفسیر عطائی؛ حقایق التفسیر سلمی، تفسیر الولیت سمرقندی، مصابیح السنه بغوی، تفسیر بصائر یمینی، تفسیر بیضاوی، قنیة الفتاوی، سیرالنبی، لسان التنزیل، شرح کشف سید یمینی، تبصرة الادلة ابوالمعین نسفی و تیسیر وسیط. ما در اینجا به معرفی چند اثر دیگر از منابع تفسیر چرخي به اختصار می‌پردازیم.

۱. حقایق التفسیر تفسیری سلمی: اثری عرفانی، تألیف امام ابی عبدالرحمن محمد الحسین بن موسی الازدی السلمی (۲۳۰-۴۱۰ ق) به تصحیح سید عمران به سال ۱۴۲۱ق است که در دارالکتب العلمیه بیروت در دو مجلد به طبع رسیده است.

۲. تفسیر بصائر: تفسیری با نثری بسیار شیوا و روان از مؤلفات قاضی معین‌الدین محمد بن محمود مروزی نیشابوری از مفسران سده ششم هجری است که در ۵۷۷ق. به انجام رسیده است. جلد اول آن به تصحیح علی رواقی به سال ۱۳۵۹ از جانب بنیاد فرهنگ ایران به طبع رسیده است (مایل هروی، سایه به سایه: ۵۰۴).

۳. نوادر الاصول فی معرفة اخبار الرسول: از مؤلفات حکیم ترمذی ابی عبدالله محمد بن علی بن الحسین بن البشیر المؤذن از عالمان قرن سوم هجری است. وی در ترمذ به دنیا آمده و در همان جا درگذشته است. تاریخ وفاتش حدود ۲۵۵ق (حاج خلیفه کشف الظنون، ج ۱/۹۳۹) یا ۲۸۵ق (ماسینیون، دائرةالمعارف الاسلامیه ذیل ترمذی) یا ۳۲۰ق (زرکلی، الاعلام، ج ۷: ۱۵۶) ضبط شده است. این اثر در دارصادر بیروت (بدون تاریخ) به طبع رسیده است.

۴. قنیه الفتاوی: اثری از محمود بن احمد القونوی الحنفی (م. ۷۷۰ق) است. شایان ذکر است که ابولیت سمرقندی نیز کتابی به اسم الفتاوی دارد (نک: کشف الظنون، ج ۲: ۳۳۷).

۵. سیر النبی: احتمالاً از عبدالملک بن هشام (م. ۲۱۸ یا ۲۳۱ق) باشد و این کتاب به دستور اتابک سعد بن زنگی در سال ۶۱۲ یا ۶۲۰ قمری به فارسی از شخص ناشناس ترجمه شده است (منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی، پاکستان، ج ۱۰: ۱۹۱). شایان ذکر است که کتب سیره تألیف شده تا زمان مصنف زیاد بوده که در فهرست فوق و دیگر فهرس از آن‌ها نام برده شده است. از آن جمله می‌توان به سیر النبی از محب الدین احمد بن عبدالله الطبری (م. ۶۹۴ق)، سیر النبی از ابی عمرو صالح بن اسحاق نحوی (م. ۲۲۵ق)، سیر النبی از ابو محمد زیاد بن طفیل (م. ۱۸۳ق) اشاره کرد.

۶. لسان التنزیل از تفاسیر قرن هشتم از مؤلفی ناشناس (آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۸: ۲۰۱).

۴. سبک‌شناسی تفسیر چرخ

۱) مؤلف در تفسیر آیات این‌گونه عمل می‌کند که ابتدا با ذکر آیه، به معنای تحت‌اللفظی آن می‌پردازد و سپس از دیدگاه علم صرف و نحو عرب، جایگاه و معنا و مفهوم کلمات و ترکیبات را شرح می‌دهد. این شیوه، گاهی به صورت شرح یک کلمه از آیه و گاه با شرح قسمتی از آن و گاهی با بیان کل آیه انجام می‌پذیرد.

۲) ذکر آیات مشابه و احادیث مرتبط با آیه مورد نظر از ویژگی‌های دیگر این تفسیر می‌باشد.

۳) تکیه مؤلف بر تفاسیر گذشتگان به ویژه تفسیرهای مهمی مثل کشاف در شرح آیات مشهود و بارز است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت یعقوب چرخ، تفسیرش را بر پایه نقل و نوشتار تفاسیر دیگر بنا نهاده است. اما از آنجایی که او گرایش خاصی به بعضی افکار و اندیشه‌های دینی و عرفانی دارد، سعی کرده اندیشه‌ها و تفکرات مورد نظر خود را در نگارش تفسیرش اعمال نماید.

۴) شیوه بسیار مطلوب و قابل توجهی که چرخ در نگارش تفسیرش به کار برده و می‌توان آن را از محسنات بسیار مهم این کتاب دانست، استفاده از اشعار و ابیات فارسی و عربی متناسب با مباحث مطرح شده می‌باشد. به نوعی می‌-

توانیم تفسیر چرخى را تركيبى از نظم و نثر بدانيم؛ به ويژه اين كه اعتقاد خاص نويسنده به «مولوى» باعث شده ابیات فراوانى از «مثنوى مولوى» و نيز «سنایى غزنوى» چاشنى كلام او شود و كتاب او را خواندنى تر و دلنشين تر نمايد. ذکر ابیات عربى نيز ضمن اين كه تسلط نويسنده و آگاهى او را با اين زبان آشکار مى سازد، باعث تقويت كلام و استحکام بيشتر سخن او گردیده است.

۵) نکته قابل توجه ديگر آن است كه مفسر در مواردى كه شرح آیات كوبنده قرآن عليه كافرين را بيان مى دارد، با ذکر جمله «نعوذ بالله من ذلک» از خداوند پناه مى جويد و گاهى با ذکر دعا طلب يارى و استمداد از ذات باری تعالى برای خود و مؤمنان و عاشقان مى نمايد؛ مثلاً در پايان تفسير سوره فاتحه مى نويسد: «الهی ما را از عاشقان جمال خود گردان» و يا در پايان سوره فجر آن جا كه مى گوید اگر مؤمن چیزی از قرآن خوانده باشد، نور او گورش را منور و فراخ گرداند مى گوید: «اللهم ارزقنا».

۶) شايد بتوان گفت تفاوت عمده ای كه تفسیر چرخى با تفاسیر ديگر دارد اين است كه او در پايان قسمت هايی از تفسیر آیات و يا در پايان سوره ها با بيان اين عبارت: «نصیب تو آن است كه...» يا: «نصیب درویش آن است كه...» چكیده ای از شرح و تفسیر آیات يا سوره را به شيوه پند و اندرز و تذکر برای مخاطب ذکر مى كند كه از نظر دريافت عقلى و شناخت ذهنى و پذيرش قلبى بسيار تأثيرگذار مى باشد و از نظر اخلاقى، يکى از شيوه های پسندیده بيان حقيقت است و به عبارتى، بهترين راه ارائه اخلاق عرفانى و دينى مى باشد. اين قسمت از تفسیر چرخى، شباهت زيادى به تفسیر نوبت سوم كشف الاسرار ميبدى دارد. برای مثال، در پايان قسمتی از تفسیر سوره عبس مى گوید: «نصیب تو اين است كه بر فقيران صالح كرم كنى و به ايشان تقرب جویی، هر كه به طلب علم باطن مشغول باشد دائماً و از جمله اهل حق باشد.» در پايان قسمتی از تفسیر سوره علق آورده: «نصیب واعظ در امر معروف و نهی منكر اين است كه در كار خود استوار باشد و از دشمن نترسد تا حق تعالى معين و ناصر باشد.» در پايان سوره بروج آورده است كه: «نصیب درویش اين است كه تا تواند دعای بد نكند بر دشمنان خود و محبت و عداوت خلق را از حق تعالى بيند و شكر گوید كه از منكران نيست.» «نصیب عارف اين است كه در بلاها صبر كند و به انكار منكران متغير نشود و دعای بد برايشان نكند.

بیمار شود عاشق الاكه نمی میرد مه گرچه شود لاغر استاره نمی گردد»

(چرخى، تفسیر: ۳۵)

«نصیب عاشق اين است كه رضای محبوب جوید اگرچه طلب او را نهايت نيست هر دو عالم را به عاشق عرض كند التفات به آن نكند.»

۷) نکته قابل توجه دیگر، ذکر داستان‌ها و حکایت‌های متعدد در میان تفسیر است. بدین‌گونه که مؤلف هر جا که لازم دیده است، متناسب با موضوع و محتوای آیه یا آیات، ماجراهای مربوط به آن‌ها را هم به صورت شأن نزول و هم به شیوه مستقل بیان نموده است؛ مثلاً ذکر داستان حضرت صالح(ع) یا حضرت یونس(ع) یا فرعون به طور مستقل از این نمونه‌هاست (محمدی، مقدمه تفسیر چرخ، ۱۳۸۶ش: ۱۸-۲۰).

۸) از نظر ادبی، شیوه نگارش چرخ شکل خاصی ندارد؛ جز این‌که همان شیوه نویسندگان قرون هشتم و نهم را پی گرفته و همان پراکندگی‌های نوشتاری آثار آن روزگار در نوشته‌ی او هم از نظر سبکی و هم از نظر لغوی به چشم می‌خورد. اما آنچه که در نوشته‌ی چرخ خیلی بارز و آشکار است، این است که افعال معمولاً در پایان جمله می‌آیند؛ ولی جملات از ساختار منظم و مرتبی برخوردار نیستند و او سعی دارد با تغییر جای فعل، نوعی دگرگونی یا تنوع در شکل نوشتاری خود ایجاد نماید که گاه در این راستا نویسنده سجع آفرینی نمودند سخنش را نیز آهنگین می‌نماید، نظیر این جملات:

«هر محمدی (ص) را ابوجهلی باید که باشد و ابوبکر نیز باید.» (چرخ، تفسیر: ۱۵۵)

«هیچ‌کس کاری نکند از نیکی و بدی مگر به خواست حق تعالی.» (همان: ۱۳۶)

«حکمت واجب بودن خواندن سوره‌ی فاتحه در هر رکعت نماز این باشد که دائماً باید که بنده طالب وصال بود و راه عاشقان را جوید تا از ایشان باشد.» (همان: ۸)

«بنده چون گناه کند و حق تعالی بر وی نیکی کند و نگیرد بر وی، این استدراج است و جزای مکر اوست و اگر بگیرد وی را به عذاب تا توبه کند عنایت اوست.» (همان: ۳۳)

۹) گاهی مشاهده می‌شود که نویسنده لغات و واژگانی نو و بدیع آفریده که این امر را می‌توان از ویژگی‌های بسیار مثبت نوشته تفسیری او دانست. خَلَقَ کلمات، ترکیبات و واژگان نوپدید هر نثری را زیبا و دلنشین می‌سازد. برای نمونه موارد زیر قابل ذکر است:

«سخت‌رونده، سخت‌بازدارنده، سخت‌بدخوی، پگاه‌تر، نرم‌نرم، پخته‌گدایان، تباه‌کار، کلان‌تران، کودکان از ترس قیامت پیران شوند، فراخ شاخ سیاه، نیک‌بخش‌ساینده بدکرداران، ناگردندگان، فرمان‌شود، مال بسیار زیاد شونده، گوش‌داشت، میل‌کرد، اقرار به زبان نبرد.» (همان: صفحات متعدد)

۱۰) از نظر عقیدتی و اندیشه‌ی اعتقادی باید گفت یعقوب چرخ اگر چه در نگارش این تفسیر، به اجماع اعتقادات اهل سنت و جماعت پایبند و متعهد است، ولی اندیشه‌ها و آرای طریقت‌نقشبندیه و نیز برخی دیدگاه‌های عرفانی را نیز

گزارش می‌کند.

۱۱) توجه چرخشی به ذکر نام‌های خدای تعالی و تأکید بر شرح و بیان آن‌ها از ویژگی‌های دیگر تفسیر اوست؛ به ویژه که دو اثر مستقل نیز در شرع و گزارش اسماء‌الله و خواص آن نگاشته است. وی در آغاز سوره می‌نویسد:

«علما گفته‌اند که مرالله تعالی را سه هزار نام است و از این جمله هزار نام است که فرشتگان می‌دانند و بس و هزار دیگر را پیغمبران می‌دانند و بس و سه صد نام وی در تورات است و سه صد در انجیل و سه صد در زبور و نود و نه نام در قرآن است و یک نام است که جز حضرت حق کسی آن را نمی‌داند و بازگشت معنی آن سه هزار نام به این سه نام است: بسم‌الله الرحمن الرحیم پس هر که این سه نام بداند و خدای تعالی را به این نام بخواند گویا که خدای تعالی را به آن سه هزار نام یاد کرده است.» (همان: ۲۶)

۵. ویژگی‌های دستوری و زبان‌شناسی تفسیر چرخشی

۱) جمله‌ها و عبارات‌ها در قالب‌های کوتاه بیان شده است و در اغلب موارد، همانند ساختار جمله در زبان عربی، فعل در ابتدا واقع شده است. به عنوان مثال در ترجمه آیه و «جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» نوشته است: «و گردانیدیم روز را وقت زندگانی شما!» که ساختار امروزی آن این گونه است: «و روز را وقت زندگانی شما گردانیدیم» (همان: ۴).

۲) عبارات و جملات هم‌آهنگ و هم‌آوا که زیبایی و جذابیت را به دنبال داشته است: «نصیب تو این است که بدانی اول خود را که چه بودی و از چه شدی! اولت آب گنده و آخرت خاک پراکنده، پس منکر مباش که شوی زنده چنان‌که گفت خدای پاینده.» (همان: ۷۸)

۳) عطف پیاپی جملات با «و او» و تکرار فعل «است» به صورت چسبان و غیرچسبان مانند «... و غلاف او از یاقوت سرخست و قلم او از نور است و سر او به عرش رسیده است و پایان او به کنار فریشته است و نام او طریونست و لوح در لوح است و لوح گشادگی است.» (همان: ۷۵)

۴) با آوردن همزه مضموم در ابتدای فعل جمله را به حالت استفهامی درآورده است. «نکردیم ما زمین را بساط شما؟» (همان: ۳)

۵) ترکیبات و جملات عربی که بیشتر در نقل قول‌ها، قواعد ادبی، ترکیبات دعایی و... به کار برده است و به خصوص واژه «قیل» که فراوان استعمال شده است: «و قیل الحب اللؤلؤ و النّبات ما سنبت من الارض» (همان: ۵)

۶) جمع بستن با الف و ت مانند: حیوانات، نباتات، عرصات و...

- ۷) حذف در حروف، کلمات و عبارات که در بیشتر موارد از سوی کاتب صورت گرفته است. مانند: پس نمود- علیه- السلام- فرعون را نشان بزرگ یعنی عصا و ید بیضا آن بود که...» (همان: ۱۱) که در اصل اینگونه بوده است: «پس نمود موسی- علیه السلام- فرعون را نشان بزرگ یعنی عصا و ید بیضا، و ید بیضا آن بود که...»
- ۸) استعمال کلمات و افعالی که اکنون متروک شده است و کاربردی ندارند: بیاموزانید، حمدونه و ...
- ۹) اضافه بنوت: عبدالله مسعود، عبدالله عمر و ...
- ۱۰) استعمال یاء شرطی، استمراری، الزامی و مصدری، «ای کاشکی من نیز خاک شدمی همچون ایشان تا از عذاب ابدی خلاصی یافتمی.» (همان: ۱۴)
- ۱۱) استعمال فعل متعلق به فاعل غیر ذی روح مانند فعل ذی روح مانند: «و ستارگان فرو ریزند و کوهها از جای خود برخیزند.» (همان: ۳۹)
- ۱۲) کاربرد «مر» که گاهی علامت مفعول صریح و گاهی برای حصر و اختصاص است. مانند: «نباشد مر آن دوزخیان را در دوزخ»
- ۱۳) استعمال کلمات فرشته، جبرئیل، شتر، آورد، فرو آمدن، همچون به صورت: فریشته، جبرئیل، اشتر، آرد، فرود آمدن، همچو که در بیشتر موارد، در نسخه اساس این گونه است.
- ۱۴) اضافه ضمیر متصل به فعل مانند: «می پرستیدندشان، کردشان»
- ۱۵) مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تأنیث مانند: حدود شرعی، رحمت شامله و ...
۶. ویژگی های املائی تفسیر چرخ
- ۱) حروف همجنس یا قریب المخرج را حذف کرده است: سخت، بتر و ...
- ۲) حروف پ، چ، گ، ذ را در برخی موارد به صورت ب، ج، ک، د نوشته است.
- ۳) در مواردی الف مقصور را به صورت الف کشیده و ممدود نوشته است. غنا، عقبا، عصا، که در اصل غنی، عقبی، عسی ... بوده است.
- ۴) کلمات مختوم به های غیر ملفوظ را در هنگام جمع، هاء را حذف کرده است. سینها، جامها و ...
- ۵) در برخی موارد کلمات مختوم به پای منقوط که در فارسی کشیده است مانند عربی با تای گرد آمده است: رحمه، استقامه، اشاره و ...
- ۶) همزه وسط کلمه را نگذاشته است: رویت، مومن و ...

- ۷) کلمات مختوم به الف را، در هنگام اضاله شدن، به جای یا، همزه آورده است: طاعتها، خیر، جزاء کردار
- ۸) پسوند و پیشوندها را غالباً چسبیده نوشته است: باین، بستم، ایشانرا، جامها و ...
- ۹) حرف نفی را در برخی موارد جداگانه آورده است: نه بینند، نه آورده‌اند، نه دانند و ...
- ۱۰) مد «آ» را در کلمه «آن» نگذاشته است.

۷. روش تفسیری چرخ

- ۱) استفاده از آیات قرآن که بهترین روش تفسیر قرآن می‌باشد، در این تفسیر خیلی اندک است؛ مانند: «در تنبیه الغافلین آورده است که دوزخیان باران طلبند، ابر سیاهی پیدا شود و باران همچو گردن‌های اشتران بیبارد بر ایشان و کژدم‌ها چون بگزند ایشان را هزار سال درد آن نرود و معنی این آیه که «زدناهم عذاباً فوق العذاب» زیاده کنیم ایشان را عذابی بالای عذاب و قوله تعالی: «فلن نزدکم الا عذاباً» شاید که اشاره به این نوع عذاب باشد.» (همان: ۱۰)
- ۲) بهره‌گیری از روایات، احادیث و اخبار که برخی را به صورت عربی و ترجمه برخی را آورده است؛ مانند: «قال رسول - علیه الصلوة و السلام: الماهر بالقرآن مع الکرام البرره؛ یعنی هر که ماهر باشد به قرآن، یعنی قرآن‌دان باشد با کرام برره باشد در مرتبه، یعنی: با فرشتگان مغرب.» (همان: ۳۴)
- ۳) اقوال و گفتار صحابه و تابعین و مفسران و عرفای گذشته: وی از اصحابی همچون ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب، و تابعانی همچون فتاده، حسن بصری و مجاهد و مفسرانی همچون زمخشری، قشیری، کواشی و فخر رازی و عرفایی همچون عبدالخالق غجدوانی، خواجه بهاء‌الدین، خواجه علاء‌الدین عطار نقل قول کرده است.
- ۴) ترجمه عبارات قرآنی و ترجمه واژگان آیات مانند «عم یتساءلون» یعنی از چه سؤال می‌کنند و می‌پرسند یکدیگر را اهل مکه. «التساءل؛ از یکدیگر پرسیدن.» (همان: ۱)
- ۵) سبب و شأن نزول آیات و سوره: بیشتر آیاتی که دارای سبب و شأن نزول هستند، را ذکر کرده است که غالب آنها در اسباب النزول واحدی یافت می‌شود؛ مانند آیات ۳۰ و ۴۰ سوره نازعات که پس از بیان تفسیر آن می‌گوید: «بدان‌که مفسران گفته‌اند که این دو آیه در حق مصعب بن عمیر و برادر وی عامر ابن عمیر آمد که» (همان: ۲۵)
- ۶) اختلاف قرائات در موارد زیادی به اختلاف قرائات و تفسیر مبتنی بر هر یک پرداخته است. مانند: «بظنین متهم نیست، یعنی دروغ نمی‌گوید و گمان بد بر وی برده نمی‌شود. بظنین نیز خوانده شده است. بضاد یعنی بخیل در رسانیدن علم شریعت بخیلی نکند.» (همان: ۴۳)

۷) قصص قرآن، در مواردی که به مناسبت، ذکری از پیامبری شده است داستانش را آورده است؛ مانند قصه موسی(ع) در سوره نازعات و قصه اصحاب فیل در سوره فیل.

۸) مباحث علوم قرآنی

الف) نسخ: مانند آیه ۲۲ سوره غاشیه: «لست علیهم بمصیطر» که می‌گوید: «و حکم این آیه منسوخ است به آیه سیف یعنی قاتلوا المشرکین.» (همان: ۱۸)

ب) به مناسبت آیات و سوره: در موارد زیادی، قبل از این که تفسیر آیه را آغاز کند، مقدمه‌ای که آیه را به ماقبل ربط دهد را بیان می‌کند: مانند آیه ۳۴ سوره نازعات که می‌گوید: «چون بدین نعمتها شکر نگفتند و بدین دلایل عظام التفات نمودند و ایمان نیاوردند، از عذاب بزرگ خبر کردشان و گفت- جل جلاله: فاذا جائت پس چون بیاید الطامة الكبرى: بلاى بزرگ.» (همان: ۲۴)

ج) فضائل السور: برای برخی از سوره‌ها، فضیلت خواندنش را می‌آورد مانند سوره‌های نبأ، کافرون و توحید.

۹) نکات ادبی و بلاغی: در موارد زیادی، بحث‌های نحوی و بلاغی را آورده است که بیشتر آنها از کشف زمخشری می‌باشد؛ مانند: «وفاقاً نصب علی المصدر ای جرروا جزاء موافقاً لاعمالهم.» (همان: ۹)

۱۰) اشعار فارسی و عربی: وجود اشعار زیاد فارسی و چند بیت عربی، به این تفسیر رنگ و بوی ویژه‌ای بخشیده است. بیشتر این اشعار از مثنوی مولانا و دیوان شمس است، همچنین او از خاقانی شروانی، سنایی غزنوی، ابوسعید ابوالخیر، ابن الفارض و دیگر شعرای نامی نیز ابیاتی آورده است؛ مانند:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند لاغر صفتان زشتخو را نکشند
گر عاشق صادقی، زکشتن مگریز مردار بود هر آنچه او را نکشند

(همان: ۲۷)

وی علاوه بر موارد فوق، از موارد دیگری نیز برای تفسیر استفاده کرده است؛ مانند بیان نکات علمی که با استناد به اقوال دیگران است. برای نمونه، او درباره ستارگان و سیارگان منظومه شمسی سخن به میان آورده است (همان: ۴۱).

نتیجه‌گیری:

از مباحث پیشین می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- ۱) تفسیر چرخه‌ای، یک تفسیر عرفانی، ادبی و روایی است.
- ۲) مؤلف در تفسیر، به ادبیات عرفانی به ویژه به اشعار مولوی توجه و تأسی جسته است.
- ۳) از نظر ساختار نوشتاری، سبکی سهل و ساده و زبانی روان و بدون تعقید دارد.

۴) از بهترین تفاسیری است که برای آموزش طلاب و دانشجویان حوزه‌های علمیه در طی چند قرن انتخاب شده و این امر، به سبب ویژگی‌های منحصر به فرد آن است و بنابراین تفسیر، جنبه کاربردی دارد.

منابع و مأخذ

- ابن السبکی، تاج‌الدین ابی نصر عبدالوهاب، طبقات الشافعیة الکبری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- آتشین جان، بابک، «یعقوب چرخي»: دانشنامه ادب فارسی، ج ۱، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: دانشنامه، ۱۳۷۵ش.
- احمدیان شالچی، نسرین، دیار آشنا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
- استوری، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آریان‌پور و دیگران، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
- البغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفين لاسماء المؤلفين و آثار المصنفين، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۵۱م.
- طهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ ج ۹، بیروت: دارالاضواء (جلد نهم)، ۱۴۰۶ق.
- الگار، حامد: «یعقوب چرخي»: دایره‌المعارف ایرانیکا، ج ۴، بی‌تا.
- رازی، امین احمد، هفت اقلیم، با تصحیح و تعلیقات جواد فاضل، تهران: کتاب‌فروشی علی اکبر علمی و ادبیه، بی‌تا.
- بدایونی، اعجاز احمد، مجموعه سته ضروریه (مجموعه رسائل نقشبندیه)، دهلی: چاپ سنگی، ۱۳۱۲ق.
- بکائی، محمد بن حسن، کتاب نامه بزرگ قرآن کریم (جلد ۴)، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۵ش.
- پارسا، خواجه محمد، رساله قدسیه، با مقدمه، تحشیه، تصحیح و تعلیقات ملک محمد اقبال، راولپندی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۵م.
- پارسا، خواجه محمد، قدسیه (کلمات بهاء‌الدین نقشبند)، به کوشش احمد طاهری عراقی، تهران: طهوری، ۱۳۵۴ش
- تسبیحی، محمدحسین، فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و اس.تی.پرنترز، ۱۳۴۹ش.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، جلد ۱ و ۲، تهران: مطبعة اسلامیة (چاپ افسست)، ۱۳۸۷ق
- جامی، عبدالرحمان، نفات الانس من حضرت القدس؛ به تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران: محمودی، ۱۳۳۶ش.
- چرخي، یعقوب، تفسیر چرخي، قندهار: حاجی عبدالقادر و پسران، ۱۳۳۱ق.
- چرخي، یعقوب، تفسیر یعقوب چرخي. به اهتمام حسنعلی محمدی و لیلا حمامی، تهران: فرتاب، ۱۳۸۷ش
- چرخي، یعقوب، نائیبه (نی نامه) چرخي، با حواشی و مقدمه خلیل الله خلیلی، کابل: بی‌تا، ۱۳۳۶ش.

چرخى، يعقوب: اُنسيّه؛ تصحيح و ترجمه [به اردو] محمد نذير رانجها، اسلامآباد: مركز تحقيقات فارسى ايران و پاكستان، ۱۳۶۲ش

چرخى، يعقوب، رساله ابدالئيّه؛ تصحيح و تعليق محمدنذير رانجها، اسلامآباد: مركز تحقيقات فارسى ايران و پاكستان، ۱۹۷۸م.

خرمشاهى، بهاءالدين، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، تهران: دوستان و ناهيد، ۱۳۷۷.

خواجهاف، احمد خواجه محمد، «يعقوب چرخى» در دايرةالمعارف شوروى تاجيك، جلد هشتم، دوشنبه تاجيكستان، ۱۹۸۸م.

خيامپور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، تبريز: شركت سهامى چاپ كتاب آذربايجان، ۱۳۴۰ش.

داراشكوه، محمد، سفينة الاولياء، چاپ لكهنو، ۱۸۷۲م.

رانجها، محمد نذير، «دو اثر غير چاپى يعقوب چرخى»، دانش (فصلنامه رايزنى فرهنگى ايران در پاكستان)، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴ش/۱۴۰۵ق.

زرکشى، محمد بن بهادر بن عبدالله بدرالدين، البرهان فى علوم القرآن، جلد ۱ و ۲، به كوشش يوسف عبدالرحمان مرعشلى و ديگران، بيروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۵ق

زرکلى، خيرالدين، الاعلام (قاموس تراجم). بيروت: دارالعلم للملايين، ۱۴۱۰ق.

لاهورى، غلام سرور، خزينة الاصفياء (جلد اول)، كانيور: مطبعة منشى نولكشور، ۱۳۳۲ق.

قاسملو، فريد، فهرست نسخه‌هاى خطى فارسى انستيتوى شرقشناسى ابوريحان بيرونى فرهنگستان علوم ازبکستان (جلد سوم)، تهران: مركز اسناد و تاريخ ديپلماسى وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸ش.

كاشفى، فخرالدين على، رشحات عين الحيات، به كوشش على اصغر معينيان، تهران: بى‌نا، ۱۳۵۶ش.

كريميان سردشتى، نادر، تذكرة عرفاى كردستان، تهران: نگاه سبز، ۱۳۸۱ش.

مايل هروى، نجيب، سايه به سايه، تهران: گفتار ۱۳۷۸ش.

منتظمى، روبا، تاجيكستان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴ش.

نیشابورى، ميرعبدالاول، احوال و سخنان خواجه عبيدالله احرار، به تصحيح و با مقدمه و تعليقات عارف نوشاهى، تهران: مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۸۰ش.

ميلانى، سيد على، نفحات الازهار فى خلاصة عبقات الانوار، تهران: مهر، ۱۴۱۴ق.

خلیل، محمدابراهیم، «مولینا یعقوب چرخی»، آریانا (نشریه انجمن تاریخ افغانستان)، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۲۲ش.
منزوی، احمد، فهرست‌واره کتابهای فارسی، ج ۷، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
نصیری، محمدرضا، اثرآفرینان (جلد ششم: ناتل خانلری - یوسفی هروی)؛ زیر نظر محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران: کتاب‌فروشی فروغی، ۱۳۴۴ش.
نوربخش توکلی، علامه، تذکره مشایخ نقشبندیه، همراه با تکمله از محمد صادق قصوری، لاهور: نورئ بک دیو، ۱۹۷۶م.